

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۰۳/۲۸

تاریخ بررسی مقاله: ۹۰/۰۴/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۰۲/۳۰

دو فصلنامه مشاوره کاربردی

دانشگاه شهید چمران اهواز، پاییز و زمستان ۱۳۹۰،

دوره‌ی اول، سال اول، شماره‌ی ۲

ص ص: ۷۳-۹۶

خوش‌بینی - بدبینی و باورهای مذهبی به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های طلاق

ناصر یوسفی*، کیومرث بشلیده**

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی خوش‌بینی - بدبینی و باورهای اساسی مذهبی در روابط زناشویی به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های طلاق می‌باشد. ۱۲۰ زوج متقاضی طلاق با روش انتخاب هدفمند از بین جامعه‌ی متقاضی طلاق دادگاه خانواده و مراکز مشاوره‌ای شهر سنندج و ۱۲۵ زوج عادی با روش تصادفی چندمرحله‌ای هم‌تا شده با گروه متقاضی طلاق از بین والدین دانش‌آموزان دبیرستان‌های سنندج واقع در استان کردستان در سال ۱۳۸۹ (جمعاً ۴۹۰ نفر) انتخاب شدند. همه زوج‌های نمونه به وسیله‌ی پرسشنامه‌های خوش‌بینی - بدبینی و باورهای مذهبی، مورد سنجش قرار گرفتند. از روش تحلیل ممیز برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. نتایج به دست آمده فرضیه پژوهش را تأیید کرد و نشان داد که طلاق را می‌توان از روی متغیرهای خوش‌بینی - بدبینی، باورهای مذهبی و متغیرهای جمعیتی پیش‌بینی نمود. نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌ها با تحقیقات پیشین هماهنگ است. بر اساس این مدل می‌توان یک روی آورد پیشگیری از طلاق و درمان زناشویی بر مبنای خوش‌بینی - بدبینی و باورهای اساسی مذهبی تدارک دید و نتایج این پژوهش را در محیط‌های بالینی و مشاوره‌ای جهت کمک به زوج‌های مشکل‌دار و در آستانه طلاق به کار گرفت.

کلید واژه‌ها: خوش‌بینی - بدبینی و باورهای مذهبی، طلاق.

* استادیار گروه مشاوره و روان‌شناسی، دانشگاه کردستان (نویسنده مسئول). تلفکس: +۹۸۸۷۱۷۲۱۲۳۹۳

E-mail: Naseryoosefi@yahoo.com

** استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه

خوش‌بینی و بدبینی^۱ اصطلاحاتی هستند که به طور فزاینده‌ای هم در رسانه‌های جمعی و هم در ادبیات روان‌شناختی در سال‌های اخیر مورد بحث قرار گرفته‌اند. "خوش‌بینی به عنوان ادراک اینکه یک فرد پیامدهای مثبت را برای حوادث و موقعیت‌های زندگی تجربه می‌کند" تعریف می‌شود. به عبارت دیگر، خوش‌بینی به نتیجه‌ی تعمیم یافته‌ی انتظاراتی اشاره دارد که چیزهای خوب بیشتر از چیزهای بد اتفاق خواهد افتد (برسیت، سچیر و کارور^۲، ۲۰۰۲). در مقابل بدبینی به این گرایش دارد که در آینده باید منتظر پیامدهای بد و ناگوار بود. همچنین بر مبنای باورهای خوش‌بینی، رویدادهایی که پیش می‌آیند، به طور کلی خوشایندند و باورهای خوش‌بینی می‌توانند، سلامت روانی و جسمانی بیشتری را پیش‌بینی نمایند (سلیگمن و میهالی^۳، ۲۰۰۰). مشاوران فواید مختلف خوش‌بینی و زیان‌های مربوط به بدبینی را در روابط زناشویی نشان می‌دهند. خوش‌بینی که به شیوه‌های مختلفی مفهوم‌سازی و ارزیابی شده است، با خلق مثبت و روحیه‌ی بالا، موفقیت‌های تحصیلی، ورزشی، نظامی، شغلی، سیاسی، با محبوبیت، سلامت بالا، و حتی با طول عمر و رهایی از ضربه^۴ (آسیب) و روابط سالم خانوادگی ارتباط دارد (سندر، استیفن، جن، اسکوت، میشل و همکاران^۵، ۲۰۰۰؛ برادبوری، فینچام و بیچ^۶، ۲۰۰۸). در مقابل بدبینی نشان دهنده‌ی افسردگی، انفعال، شکست در روابط زناشویی، انزوای اجتماعی، شیوع بیماری و مرگ و میر می‌باشد (پترسون^۷، ۲۰۰۰). افراد خوش‌بین نه تنها علایم کمتری از بیماری‌های جسمی گزارش می‌کنند، بلکه در ارزیابی شناختی-رفتاری، پاسخ‌هایی می‌دهند که حاکی از سلامت روانی و روابط بیشتر آنان می‌باشد (رجوعی، ۱۳۷۲). "نظریه شناختی" ادعا می‌کند که بهزیستی روان‌شناختی به عنوان یک عملکرد است؛ به این معنی که شخص چگونه به جهان نگاه می‌کند (بک و راش^۸، ۱۹۷۹؛ سلیگمن، ۱۹۹۲؛ مالوفیوا، دی، ساکو، یانگ،

-
- 1- optimism and pessimism
 - 2- Brissette, Scheier, & Carver
 - 3- Seligman, & Mihalay
 - 4- trauma
 - 5- Snyder, Stephen, Jen, Scott, Michael, & Susie
 - 6- Bradbury, Fincham, & Beach
 - 7- Peterson
 - 8- Beck, & Rush

سیانسیو^۱، ۲۰۰۴). یعنی از افکار و ساختار باورهای "خود-تخریب‌گر"^۲ اجتناب کند و با نوعی از تفکر که بعضی اوقات متناسب با واقعیت زندگی می‌باشند و بعضی اوقات به یک جهت مثبت تمایل دارند، سازگار شود. به این شیوه فرد می‌تواند "انعطاف‌پذیری روانی" را در روابط زناشویی گسترش دهد و از "آسیب‌پذیری شناختی"^۳ و همچنین هیجانی در روابط زوج‌ها اجتناب کند (بک، ۱۹۷۹؛ یانگ^۴، ۲۰۰۷؛ سگال^۵، ۱۹۹۰؛ یانگ، گلوسکی، ۱۹۹۷؛ جیل، میشل و ویرسیویچک^۶، ۲۰۰۸؛ اسکین^۷، ۲۰۰۷؛ بوچارد، سابورین، لوسیر و همکاران^۸، ۱۹۹۹؛ امان‌الهی و عطاری، ۱۳۸۴؛ شکرکن، خجسته‌مهر و عطاری، ۱۳۸۵؛ بال و سیسرو^۹، ۲۰۰۱). مطالعات نشان می‌دهد که خوشبینی با درجه‌ی اعتقاد مذهبی تغییر می‌کند، مثلاً، اعضای دین‌های بنیادگرای یهودی، مسلمان و پیروان کالوین^{۱۰}، از یهودی‌های محافظه‌کار، لوتری‌ها و متدیست‌ها^{۱۱} (فرقه مسیحی که خیلی افراطی نیستند) در مقیاس‌های خوش‌بینی، نمره‌های بالاتری کسب نمودند. به همین صورت، گروه میانه رو، از اعضای مذاهب آزاد‌اندیش‌تر، از قبیل یهودی‌های اصلاح‌طلب و یکتاپرستان، نمره‌های بالاتری در خوش‌بینی کسب کردند و پژوهشگران اظهار داشته‌اند که توجه خوش‌بینی بیشتر در میان بنیادگرایان، به خاطر ارتباط آن با امیدواری بیشتر و ناامیدی کمتر در زندگی است (اسکین، ۲۰۰۷؛ سلیگمن، ۱۹۹۲). آنچه که به عنوان خوش‌بینی در نظر گرفته می‌شود بستگی به آن چیزی دارد که فرد آن را به عنوان مطلوب در ذهن خود و روابط در نظر می‌گیرد (پترسون، ۲۰۰۰). خوش‌بینی همچنین به عنوان یک "سوگیری شناختی" (ماری و ویلیام^{۱۲}، ۱۹۹۲) "یک نگرش گرایشی" و به عنوان یک "باور" فردی و بین فردی توصیف شده است (پارک، مور، تورنر و

- 1- Malofeeva, Day, Saco, Young, & Ciancio
- 2- self-defeating
- 3- cognitive vulnerability
- 4- Young
- 5- Segal
- 6- Jill, Michiel, & Vreeswijk
- 7- Skeen
- 8- Boucharde, Sabourin, Lussier, & et al
- 9- Ball & Cecero
- 10- Calven
- 11- Lotters, & Methodists
- 12- Mary, & William

آدلر^۱، (۱۹۹۷).

دین برای انسان یک باور و موهبت الهی است که فرد را در برابر بسیاری از ناملایمت‌ها تجهیز می‌کند و به قول فرانکل^۲ (۱۹۶۷) بنیانگذار معنادرمانی در درون تمام انسان‌ها احساس عمیق مذهبی وجود دارد که فرد را به سوی معنا و امید و هدف در روابط فردی و بین فردی می‌کشاند (شریفی، مهرابی‌زاده هنرمند و شکرکن، ۱۳۸۵). اخیراً موج بلندی از مداخله‌های مذهبی مثل درمان رابطه‌ای-شناختی مسیحیان، مشاوره ازدواج بر اساس امید مسیحیان، زوج درمانی بر مبنای احساس، و نظریه‌های سیستم‌های خانواده مسیحیان وجود داشته‌اند که پیوندهای خانوادگی را مستحکم می‌نماید. در حالی که بین سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۹۲ فقط ۱۳ مقاله در رابطه با مسائل مذهبی و معنوی در مجلات معتبر خانواده و ازدواج به چاپ رسیدند. تحقیقات کیفی انجام شده در مورد مذهب در بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹ در حدود ۱۳ درصد بوده است.

همچنین، در درمان‌های رایج، مذهب بطور فزاینده‌ای توسط درمانگران استفاده شده است (مک مین^۳، ۲۰۰۳). موبرگ^۴ (۲۰۰۵) می‌نویسد که انبوهی از حکایات بالینی، تاریخی و دینی وجود دارد که بر اهمیت اعتقاد مذهبی و معنوی در سلامتی و رفاه فردی و خانوادگی گواهی می‌دهند.

گروه بارنا^۵ (۲۰۰۴) نشان داد که میزان نرخ وقوع طلاق در خانواده‌های مسیحی به اندازه‌ی خانواده‌های غیرمسیحی می‌باشد. سایر مطالعات این یافته را تأیید نکردند. برای مثال، در یک همه پرسی از ۴۵۸۷ زوج متأهل، همسرانی که بطور منظم در کلیسا حضور پیدا کرده‌اند، کمتر در خطر طلاق بودند (کال و هیتون^۶، ۱۹۹۷). سایر یافته‌ها نشان داده‌اند که اشتغال مذهبی احتمال طلاق را کاهش نمی‌دهد بلکه به‌طور مثبت با رضایت زناشویی، تعادل^۷، تعهد و شادی زناشویی رابطه دارد (آماتو و راجرز^۸، ۱۹۹۷). مطالعه‌ای نشان داد که زوج‌های

1- Park, Moore, Turner, & Adler

2- Frankel

3- MCMinn

4- Moberg

5- Barna group

6- Call, & Heaton

7- balance

8- Amato, & Rogers

متأهلی که در خدمات عبادی شرکت می‌کنند، سطوح کمتری از حسادت، خیانت، عادت‌های آزار دهنده، کج خلقی، اعمال احمقانه و کاربرد دارو یا الکل را گزارش کرده‌اند (اسپراسکی و هاگستون^۱، ۱۹۷۸، به نقل از غباری، ۱۳۷۴).

انجام مناسک مذهبی به عنوان بخشی از آداب و رسوم اجتماع محسوب می‌شود مثل: دعا و مراقبه^۲، عفو و بخشش، خواندن متون مقدس دینی و غیره. این مناسک تأثیر مثبت بر بهبود مشکلات روابط زناشویی و بر رابطه‌ی فرد با خدا دارد. مرور عقایدی در روابط زناشویی مثل کسی که هرگز شما را ترک نمی‌کند (منظور خدا)، عشق به او با فاصله، زمان و مرگ از بین نمی‌رود، در بهبود مسائل ارتباطی بسیار مؤثر است (سیسن و سدا^۳، ۲۰۱۱؛ موبرگ، ۲۰۰۵). در اینجا به مرور پاره‌ای از تحقیقات در ارتباط با اثر مذهب بر روابط زناشویی و خانوادگی پرداخته می‌شود. در مطالعه‌ای نشان داده شد که اعمال مذهبی با بهبود عملکرد روابط زناشویی، تقویت و افزایش کیفیت زندگی رابطه دارد (یانگاربر-هیکس^۴، ۲۰۰۴). در مطالعه‌ای نشان داده شد، زنانی که از لحاظ جسمی مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند، نگرش مذهبی می‌تواند حمایت مؤثری برای کنترل سرخوردگی و کاهش فشار در آنان باشد چون بازماندگان سوء استفاده، از لحاظ مذهبی بطور مثبت آن را ارزیابی کرده و آن عمل را نوعی پاداش برای خود و گناه و ضرر برای دیگری می‌دانند. بنابراین، در میان سایر ابزارهای کنترل فشارزای زندگی، مذهب برجسته‌ترین ابزار برای کنترل بحران‌های زندگی به شمار می‌آید (پاراگامنت^۵، ۱۹۹۷). شواهد حاکی از آن است که مذهب هم زندگی خانوادگی و هم رضایت زناشویی را بهبود می‌بخشد (کیرک پاتریک و شاور^۶، ۱۹۹۰). پژوهش‌ها از ارتباط بین مؤلفه‌ی مذهبی با انسجام و آرامش خانوادگی (سالاری فر، ۱۳۷۹)، رضامندی در ازدواج (اسپراسکی و هاگستون، ۱۹۷۸، به نقل از غباری، ۱۳۷۴)، رضایت زناشویی بیشتر، خوشحالی زوجها (ماهونی^۷، ۲۰۰۵؛ هانلر و جنک^۸، ۲۰۰۵)، تجربه رضایتمندی زناشویی (کال و

-
- 1- Sprowski, & Hougston
 - 2- prayer and meditation
 - 3- Sesen, & Seda
 - 4- Yangarber-Hicks
 - 5- Pargament
 - 6- Kirkpatrick, & Shaver
 - 7- Mahoney
 - 8- Huñler, & Genc

روبینز^۱، (۲۰۰۴)، صمیمیت، تعهد و روابط زناشویی مثبت (ماهونی، ۲۰۰۵)، کنترل خشم از لحاظ فیزیکی و عاطفی و کلامی در روابط زناشویی (سولیوان^۲، ۲۰۰۱)، رضایت زناشویی و معناداری زندگی زناشویی (حیدری، ۱۳۸۲)، استحکام روابط زناشویی و حضور در کلیسا (کال و هیتون^۳، ۱۹۹۷)، رهنمود باورها و ارزش‌ها در روابط زناشویی (هانلر و جنک، ۲۰۰۵)، مهرورزی، وفاداری و تعهد، مسئولیت‌پذیری و احساس آرامش در روابط زناشویی (ماهونی، ۲۰۰۵)؛ آیه ۲۱ سوره نساء؛ آیه ۲۱ سوره رم)، رضایت زناشویی از لحاظ تجانس مذهبی (مارگارت، دادلی، فردریش و کونینسکی^۴، ۱۹۹۰)، کاهش تعداد ازدواج (اورتینکال و ونستیوگن^۵، ۲۰۰۶) و رضایت‌مندی دانشجویان متأهل (خدایاری‌فرد، شهابی و اکبری، ۱۳۸۶) خبر می‌دهند. سچیر، میشل و کارور^۶ (۱۹۹۳) و شهنی‌بیلاق، موحدی و شکرکن (۱۳۸۳) تأیید کرده‌اند که خوش‌بینی، باور مذهبی و سلامت روانی به هم مرتبطند.

ضرورت تحقیق حاضر با توجه به روند رو به افزایش طلاق در دهه‌ی اخیر در جهان شکل گرفت (یانگ و لانگ، ۱۹۹۸). طبق آمار رسمی در ایران از هر هزار مورد ازدواج، حدود دویست مورد به طلاق منجر می‌شود (بهراری و میروسی، ۱۳۷۷) و ایران چهارمین کشور جهان از نظر میزان نسب طلاق به ازدواج معرفی شده است (کیان‌نیا، ۱۳۷۵). طبق تعریف طلاق فرایندی است که با تجربه‌ی بحران عاطفی هر دو زوج شروع می‌شود و با تلاش برای حل تعارض از طریق ورود به موقعیت جدید با نقش‌ها و سبک زندگی جدید خاتمه می‌یابد (گاتمن^۷، ۱۹۹۳). در بررسی علت طلاق علاوه بر عوامل اجتماعی، اقتصادی و حقوقی، توجه به علل فردی و روان‌شناختی از جمله طحوااره‌ها، که منجر به طلاق می‌شود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (کوپر^۸، ۲۰۰۱).

بنابراین ضرورت تحقیق حاضر دستیابی به یک مدل پیش‌بینی طلاق از روی خوش‌بینی - بدبینی و باورهای مذهبی می‌باشد زیرا با مشخص کردن متغیرهایی که باعث پیش‌بینی طلاق

-
- 1- Kahle, & Robbins
 - 2- Sullivan
 - 3- Call, & Heaton
 - 4- Margaret, Dudley, Frederic, & Konsinski
 - 5- Orathinkal, & Vansteewegen
 - 6- Scheier, Michael, & Carver
 - 7- Guttman
 - 8- Cooper

می‌شوند، می‌توان زمینه را برای پژوهش‌های آزمایشی و مداخله‌ای فراهم کرد و از وقوع طلاق رو به افزایش در کشور پیشگیری نمود. فرضیه اصلی پژوهش این است، ترکیب خطی خوش‌بینی - بدبینی، باورهای مذهبی و متغیرهای جمعیت‌شناسی می‌توانند طلاق را در رابطه زناشویی پیش‌بینی کنند.

روش

پژوهش حاضر همبستگی از نوع تحلیل ممیز^۱ است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر کلیه‌ی زوج‌های متقاضی طلاق (اعم از خود ارجاعی و ارجاع داده شده به دادگاه‌های خانواده و مراکز مشاوره‌ای با حداقل میزان سواد خواندن و نوشتن و فاقد هر نوع سابقه مراجعه به دادگستری برای طلاق) و زوج‌های عادی شهر سنندج (از فاصله زمانی مهر ماه ۱۳۸۹ تا اسفند ماه ۱۳۸۹) بودند. ۱۲۰ زوج متقاضی طلاق به روش نمونه‌گیری هدفمند و ۱۲۵ زوج عادی به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای (جمعاً ۴۹۰ زن و شوهر) انتخاب شدند. از ۱۵۸ زوج مراجعه‌کننده متقاضی طلاق به مراکز مشاوره شهر سنندج ۱۳ زوج حاضر به همکاری نشدند و تعداد زوج‌های متقاضی طلاق به ۱۳۱ زوج رسید که از این تعداد ۱۱ زوج به دلیل تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها از نمونه حذف شدند (جمعاً ۱۲۰ زوج متقاضی طلاق). زوج‌های عادی از مناطق ۱ و ۲ آموزش و پرورش (۵ دبیرستان تصادفی در هر منطقه، جمعاً ۱۰ دبیرستان) انتخاب شدند. ۱۲۱۴ زوج عادی هم‌تا شده از لحاظ سن، تحصیلات و از لحاظ توزیع منطقه زندگی (جهت کنترل طبقه اجتماعی، وضعیت اقتصادی و فرهنگ بومی - کردی) در دسترس پژوهشگران قرار گرفتند (در این پژوهش، پرونده‌ی تربیتی-مشاوره‌ای ۶۰۷ دانش‌آموز در مدرسه با همکاری مشاور مدرسه مورد بررسی قرار گرفتند که در هیچ یک از این پرونده‌ها اختلاف‌های زناشویی، مشکلات خانوادگی و متارکه والدین مشاهده نشد). از میان ۱۲۱۴ زوج عادی، ۲۸۲ زوج به روش تصادفی ساده انتخاب شدند و سپس پرسشنامه‌ها از طریق دانش‌آموزان برای ۲۸۲ والد (زن و شوهر) عادی ارسال گردید که از این تعداد، ۲۹ زوج پرسشنامه‌ها را ناقص عودت دادند. در نهایت، با این افت آزمودنی حجم این نمونه عادی ۱۲۵

نفر تقلیل یافت. میانگین ویژگی‌های جمعیتی زوج‌های متقاضی طلاق در متغیرهای تفاوت سنی ۹/۹۶، میزان سواد ۴/۴۳، آشنایی قبل از عقد به ماه ۸/۲۶، طول مدت ازدواج ۱۰/۶۵ و درآمد ماهانه به تومان ۲۸۸۶۵۸/۸۷ و در زوج‌های عادی در متغیرهای ذکر شده به ترتیب ۵/۵۶، ۶/۶۵، ۱۰/۴۵، ۱۹/۸۹ و ۴۶۸۵۳۲/۸۴ بود. همچنین ۸۴٪ زوج‌های متقاضی طلاق بومی، ۶۱٪ دارای ملک شخصی، ۷۳٪ با پدر و مادر خود زندگی می‌کنند، ۷۸٪ مردان بیکار و ۳۲٪ زنان شاغل و زوج‌های عادی ۹۳٪ بومی، ۷۲٪ دارای ملک شخصی، ۳۵٪ با پدر و مادر زندگی می‌کنند، ۱۹٪ مردان بیکار و ۳۸٪ زنان شاغل هستند.

ابزار

۱- پرسشنامه خوش‌بینی - بدبینی. این پرسشنامه توسط آقایی، رئیسی و آتش‌پور (۱۳۸۶) ساخته شده و دارای ۲۳ عبارت وصفی است که خوش‌بینی و بدبینی افراد را می‌سنجند. هر عبارت این ابزار دارای دو سؤال ۲ گزینه‌ای به صورت بلی و خیر است که به این صورت تعداد سؤال‌ها به ۴۶ ماده می‌رسد و سؤال‌های فرد به سنجش خوش‌بینی و سؤال‌های زوج به سنجش بدبینی اختصاص دارد. آقایی و همکاران (۱۳۸۶) ضریب آلفای کرونباخ برای ماده‌های خوش‌بینی ۰/۷۷ و برای ماده‌های بدبینی ۰/۷۷ و ضریب روایی دو خرده مقیاس بدبینی و خوش‌بینی را بر روی ۳۰ نفر به صورت منفی گزارش کردند. در این پژوهش، ضریب پایایی آلفای کرونباخ این ابزار بر روی ۴۰ نفر از افراد متأهل عادی در کل پرسشنامه ۰/۸۷ و برای خرده مقیاس‌های خوش‌بینی و بدبینی به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۸۹ و ضریب روایی آن با پرسشنامه سبک اسنادی ۴۸ ماده‌ای (سلیگمن و پترسون، ۱۹۸۴) بر روی ۳۰ نفر از افراد متأهل عادی ۰/۴۸ به دست آمده است.

۲- پرسشنامه باورهای مذهبی. این مقیاس یک ابزار خود-گزارش دهی برای سنجش دینداری فرد است و ۲۶ سؤال دارد که نمره‌گذاری هر سؤال بر روی یک پیوستار از ۱ (برای خیلی کم) تا ۵ (برای خیلی زیاد) می‌باشد. این ابزار توسط سراج‌زاده (۱۳۷۷) بر اساس مدل گلوک و استارک^۱ (۱۹۶۵) تهیه و تدوین گردیده است و شامل ۴ خرده مقیاس بُعد اعتقادی یا

1- Glock, & Stark

باورهای مذهبی^۱، بُعد تجربی یا عواطف دینی^۲، بُعد پیامدی یا اثرات دینی^۳ و بُعد مناسک یا اعمال دینی^۴ می‌باشد. در کل، نمره‌ی بالا و نمره‌ی پایین در پرسشنامه بیانگر باورهای مذهبی بالا و پایین می‌باشند. سراج‌زاده (۱۳۷۷) پایایی این پرسشنامه را به روش‌های آلفای کرونباخ و بازآزمایی (با فاصله دو هفته) برای کل پرسشنامه به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۸۱ ($p < ۰/۰۰۱$) و روایی آن را با پرسشنامه نگرش‌سنجی مذهبی خدایاری فرد و غباری (۱۳۷۳) ۰/۴۲ ($p < ۰/۰۰۱$) گزارش کرد. در این پژوهش پایایی پرسشنامه بر روی ۴۰ نفر از افراد متأهل عادی به روش آلفای کرونباخ برای کل ماده‌ها ۰/۸۷ و برای خرده‌مقیاس‌های اعتقادی یا باورهای مذهبی، بُعد تجربی یا عواطف دینی، بُعد پیامدی یا اثرات دینی و بُعد مناسک یا اعمال دینی به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۹، ۰/۷۶ و ۰/۸۶ به دست آمد.

۳- پرسشنامه اطلاعات خانوادگی. این پرسشنامه محقق ساخته دارای ۲۲ سؤال است که برای سنجش ویژگی‌های خانوادگی زوجها از قبیل طول مدت ازدواج، سن ازدواج، سن شرکت‌کننده‌ها، تفاوت سنی زوجها، میزان سواد، میزان درآمد، تعداد فرزندان، میزان و مدت آشنایی قبل از ازدواج استفاده شد.

یافته‌ها

نتایج تحلیل‌های توصیفی و تحلیل‌های استنباطی مربوط به فرضیه تحقیق در جدول‌های

۱ تا ۴ آمده‌اند

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، میانگین زوج‌های متقاضی طلاق در متغیرهای خوش‌بینی و باورهای مذهبی کمتر از زوج‌های عادی است، اما در متغیر بدبینی میانگین آن‌ها بیشتر از زوج‌های عادی است. بیشترین میانگین در میان زوج‌های متقاضی طلاق مربوط به متغیر بدبینی (۳۱/۱۶) و کمترین میانگین مربوط به متغیر اعمال دینی (۱۳/۴۶)؛ و در میان زوج‌های عادی بیشترین میانگین مربوط به متغیر پیامد دینی (۳۲/۱۸) و کمترین میانگین مربوط به متغیر بدبینی (۱۵/۳۴) می‌باشد.

- 1- The ideological dimension or religious beliefs
- 2- The experiential dimension or religious feelings
- 3- The consequential dimension or religious effects
- 4- The ritualistic dimension or religious practices

جدول ۱. میانگین و انحراف شاخص‌های آماری متغیرهای مورد مطالعه در دو گروه زوج‌های متقاضی طلاق و عادی

زوج‌های طلاق		زوج‌های عادی		متغیرهای پیش‌بین
انحراف معیار	میانگین و درصد	انحراف معیار	میانگین	
۱۳/۴۲	۱۵/۴۳	۱۷/۹۴	۲۹/۸۲	بُعد اعتقادی
۱۰/۵۵	۱۴/۵۶	۱۹/۵۳	۳۱/۴۱	عواطف دینی
۸/۱۷	۱۵/۳۷	۱۴/۳۲	۳۲/۱۸	پیامد دینی
۱۲/۴۸	۱۳/۴۶	۱۳/۵۶	۳۰/۱۲	اعمال دینی
۱۰/۵۹	۱۴/۹۱	۱۲/۴۷	۲۸/۹۶	خوش‌بینی
۱۵/۸۲	۳۱/۱۶	۱۱/۳۵	۱۵/۳۴	بدبینی

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، تحلیل ممیز رگرسیون گام به گام همراه با لامبدای ویلکس و F برای ۱۱ متغیر پیش‌بین در یازده گام در سطح $p < 0/001$ معنادار می‌باشد. در تحلیل ممیز به روش همزمان ترکیب ۱۷ متغیر پیش‌بین با هم وارد تحلیل شدند و در تحلیل ممیز به روش گام به گام از ۱۷ متغیر، ۱۱ متغیر باقی ماندند. با توجه به اینکه مقدار لامبدای ویلکس و مقدار مجذور کای در سطح $P < 0/001$ معنادار می‌باشد. بنابراین، فرضیه تحقیق مبنی بر ترکیب خطی خوش‌بینی و باورهای مذهبی و شاخص‌های جمعیت‌شناختی به عنوان پیش‌بینی طلاق، تأیید می‌گردد. همبستگی متعارف در تحلیل همزمان و گام به گام به ترتیب $0/71$ و $0/73$ و مجذور η های (η ها) آن‌ها در هر دو تحلیل $0/51$ و $0/53$ می‌باشد، یعنی 53% واریانس‌های ۱۷ متغیر پیش‌بین به روش تحلیل همزمان و 51% واریانس‌های ۱۱ متغیر پیش‌بین به روش تحلیل گام به گام تمایز را تبیین می‌کنند. پیش‌بینی عضویت گروهی در تحلیل همزمان $0/88$ و در تحلیل گام به گام $0/89$ به دست آمده است و بدین معنی است که 88% از زوج‌ها به روش همزمان و 89% زوج‌ها به روش گام به گام در دو گروه طبقه‌بندی شده‌اند. به عبارت دیگر، در تحلیل ممیز همزمان از ۱۲۰ زوج متقاضی طلاق ۱۰۵ زوج به طور صحیح در گروه متقاضی طلاق و ۱۵ زوج به اشتباه در گروه عادی و از ۱۲۵ زوج عادی ۱۱۰ زوج به طور صحیح در گروه عادی و ۱۵ زوج به اشتباه در گروه متقاضی طلاق جایگزین شده‌اند. همچنین ضرایب کاپا دو روش در جدول فوق درج شده‌اند.

جدول ۲. خلاصه تحلیل ممیز و تابع ممیز متعارف

خلاصه تابع ممیز متعارف (همزمان و گام به گام)			تحلیل ممیز رگرسیون گام به گام			
تحلیل گام به گام	تحلیل همزمان	شاخص‌های تابع تمایز متعارف	مقدار F	تغییر وارد شده	متغیر وارد شده	رتبه
۰/۶۴	۰/۵۷	لامبدای ویلکس	۶۶/۷۳	۰/۷۸	۱	بعد اعتقادی
۱۷۸/۷۴	۳۴۱/۱۳	مجذور کای	۶۳/۴۱	۰/۷۲	۲	عواطف دینی
۱۰	۱۶	درجه آزادی	۶۴/۱۵	۰/۷۱	۳	پیامد دینی
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	سطح معنی‌داری تابع	۶۱/۳۵	۰/۶۳	۴	اعمال دینی
۱	۱	تعداد تابع	۴۸/۳۶	۰/۶۳	۵	خوش‌بینی
۷۲۴/۵۶	۸۵۱/۴۵	مقدار ویژه	۶۱/۳۲	۰/۷۷	۶	بدبینی
۱۰۰	۱۰۰	درصد واریانس	۴۹/۶۳	۰/۶۹	۷	تفاوت سنی (زوج)
۰/۷۳	۰/۷۱	همبستگی متعارف	۴۸/۷۶	۰/۶۶	۸	میزان تحصیلات
۰/۵۳	۰/۵۱	مجذور اتا	۵۳/۳۲۱	۰/۶۸	۹	آشنایی قبل از عقد (به ماه)
۰/۷۷	۰/۷۹	مرکز واره گروه طلاق	۵۳/۶۴	۰/۷۷	۱۰	طول مدت ازدواج
۰/۷۴	۰/۷۶	مرکز واره گروه عادی	۵۲/۱۲	۰/۶۹	۱۱	درآمد ماهانه (تومان)
۰/۸۹	۰/۸۸	پیش‌بینی عضویت گروهی				
۰/۷۹	۰/۸۸	ضریب کاپا				
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	سطح معناداری				

توجه: ۱= (عضویت) df_2 , ۴۸۹= (نمونه) df_3 و $p < 0/001$

همان گونه که جدول ۳ نشان می‌دهد، سهم ضریب استاندارد متغیرهای بُعد اعتقادی، اعمال دینی، پیامد دینی به ترتیب ۰/۴۲، ۰/۳۸ و ۰/۳۷ می‌باشد که مشارکت این متغیرها از سایر متغیرهای وارد شده در معادله بالاترند. در ضمن معادله تابع ممیز را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$D = -14/22 + (-0/21)(X_1) + (0-12)(X_2) + (-0/17)(X_3) + (-0/19)(X_4) + (-0/16)(X_5) + (0/13)(X_6) + (12)(X_7) + (-0/12)(X_8) + (-0/21)(X_9) + (-0/14)(X_{10}) + (0/12)(X_{11}) + (-0/90)(X_{12}) + (-0/14)(X_{13}) + (-0/13)(X_{14}) + (0/15)(X_{15}) + (-0/15)(X_{16}) + (0/18)(X_{17}).$$

جدول ۳. ضرایب استاندارد، غیراستاندارد، ضرایب ساختاری و ضرایب طبقه‌بندی تابع ممیز به روش همزمان (۱۷ متغیر پیش‌بین)

کد متغیر	متغیرهای پیش‌بین	ضرایب		ضرایب ساختاری	
		استاندارد	غیراستاندارد ساختاری	گروه متقاضی طلاق	گروه عادی
X _۱	۱-بعد اعتقادی	-۰/۴۲	-۰/۲۱	-۰/۳۱	-۰/۲۹
X _۲	۲-عواطف دینی	-۰/۳۵	-۰/۱۲	-۰/۳۲	-۰/۳۸
X _۳	۳-پیامد دینی	-۰/۳۷	-۰/۱۷	-۰/۳۷	-۰/۵۵
X _۴	۴-اعمال دینی	-۰/۳۸	-۰/۱۹	-۰/۳۷	-۰/۳۷
X _۵	۵-خوش بینی	-۰/۳۴	-۰/۱۶	-۰/۴۱	۰/۳۸
X _۶	۶-بدبینی	۰/۳۶	۰/۱۳	۰/۳۱	۰/۳۵
X _۷	تفاوت سنی	-۰/۳۱	-۰/۱۲	۰/۴۶	۰/۳۵
X _۸	تحصیلات	-۰/۳۴	-۰/۱۲	-۰/۲۱	-۰/۴۱
X _۹	آشنایی قبل از عقد(به ماه)	-۰/۲۳	۰/۱۲	-۰/۲۸	-۰/۳۷
X _{۱۰}	طول مدت ازدواج	-۰/۲۱	-۰/۱۴	-۰/۱۲	-۰/۴۶
X _{۱۱}	درآمد ماهانه(تومان)	-۰/۳۱	-۰/۱۲	-۰/۸۱	۰/۳۹
X _{۱۲}	تعداد فرزندان	-۰/۲۹	-۰/۰۹	-۰/۳۴	-۰/۲۴
X _{۱۳}	اشتغال زن	-۰/۱۷	-۰/۱۴	۰/۳۲	-۰/۴۵
X _{۱۴}	بومی	-۰/۱۴	-۰/۱۳	-۰/۳۶	-۰/۳۹
X _{۱۵}	مسکن ملکی	-۰/۱۳	-۰/۱۵	-۰/۳۵	-۰/۲۴
X _{۱۶}	دو نسلی(با پدر و مادر)	-۰/۱۲	-۰/۱۵	-۰/۲۱	-۰/۱۴
X _{۱۷}	بیکاری مرد	-۰/۱۸	-۰/۱۸	-۰/۳۱	-۰/۱۲
-	عدد ثابت	-	-۱۴/۲۲	-	-۲۳۲/۱۴

با توجه به مرکز واره^۱ نمره‌ها، چنانچه نمره ممیز به دست آمده در این معادله مثبت باشد، پیش‌بینی می‌شود که آن زوج متعلق به گروه عادی و اگر منفی باشد، پیش‌بینی می‌شود که آن زوج متعلق به گروه متقاضی طلاق باشند. ضرایب ساختاری بزرگترین همبستگی مطلق بین درآمد، تفاوت سنی و خوش‌بینی را نشان می‌دهد یعنی همبستگی بین این متغیرها و متغیر طبقه‌ای از بقیه متغیرها بیشتر است. ضرایب طبقه‌بندی گروه متقاضی طلاق در مقایسه با گروه عادی در متغیرهای بعد پیامد دینی، تفاوت سنی و بدبینی بالاتر است.

1- centroid

جدول ۴. ضرایب استاندارد شده، غیراستاندارد، ضرایب ساختاری و ضرایب طبقه‌بندی تابع ممیز به روش گام به گام (۱۱ متغیر پیش‌بین)

کد متغیر	متغیرهای پیش‌بین	ضرایب ساختاری		ضرایب طبقه‌بندی	
		استاندارد	غیراستاندارد	گروه متقاضی طلاق	گروه عادی
X _۱	بعد اعتقادی	-۰/۵۶	-۰/۱۰	-۰/۷۲	-۰/۶۱
X _۲	عواطف دینی	۰/۴۶	۰/۱۸	۰/۷۲	۰/۵۶
X _۳	پیامد دینی	۰/۴۵	۰/۱۷	-۰/۶۴	-۰/۷۵
X _۴	اعمال دینی	-۰/۴۲	-۰/۱۷	۰/۷۱	۰/۴۷
X _۵	خوش بینی	-۰/۴۰	-۰/۱۶	۰/۲۶	۰/۲۵
X _۶	بدبینی	۰/۴۰	۰/۱۶	۰/۴۳	۰/۴۷
X _۷	تفاوت سنی (زوج)	-۰/۴۱	-۰/۱۶	-۰/۵۲	-۰/۳۲
X _۸	میزان تحصیلات	۰/۳۶	۰/۱۵	۰/۴۸	۰/۶۴
X _۹	آشنایی قبل از عقد (به ماه)	۰/۳۵	۰/۱۴	۰/۵۰	۰/۷۱
X _{۱۰}	طول مدت ازدواج	۰/۳۴	۰/۱۳	-۰/۳۱	-۰/۱۲
X _{۱۱}	درآمد ماهانه (تومان)	۰/۳۲	۰/۱۲	۰/۲۱	۰/۳۱
-	عدد ثابت	-	-۱۰/۳۵	-	۱۸۳/۴۶

همان گونه که جدول ۴ نشان می‌دهد برای تابع ممیز با روش تحلیل گام به گام، چهار دسته ضرایب استاندارد، غیراستاندارد، ضرایب ساختاری و ضرایب طبقه‌بندی ارائه شده است. همان طور که در ستون ضرایب استاندارد ملاحظه می‌شود سهم قدرت پیش‌بینی متغیرهای بعد اعتقادی، عواطف دینی و پیامد دینی به ترتیب با مقدار ۰/۵۶، ۰/۴۶ و ۰/۴۵ از سایر متغیرها بیشتر است. با استفاده از ضرایب غیراستاندارد و عدد ثابت می‌توان به روش گام به گام معادله پیش‌بین تابع تمایز را حساب کرد. با توجه به مرکز واره نمره‌ها، چنانچه نمره‌ی تمایز به دست آمده در این معادله مثبت باشد، پیش‌بینی می‌شود که آن زوج متعلق به گروه عادی است و اگر منفی باشد، پیش‌بینی می‌شود که آن زوج متعلق به گروه متقاضی طلاق می‌باشد.

معادله تابع ممیز را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$D = -۱۰/۳۵ + (-۰/۱۰)(X_1) + (۰/۱۸)(X_2) + (۰/۱۷)(X_3) + (-۰/۱۷)(X_4) + (-۰/۱۶)(X_5) + (۰/۱۶)(X_6) + (-۰/۱۶)(X_7) + (۰/۱۵)(X_8) + (۰/۱۴)(X_9) + (۰/۱۳)(X_{10}) + (۰/۱۲)(X_{11}).$$

بحث

نتایج این پژوهش در جدول‌های ۲، ۳ و ۴ بیانگر تأیید فرضیه‌ی تحقیق است. نتایج بیانگر این است که هرچه بدبینی، تفاوت سنی، تفاوت میزان سواد و درآمد، بیکاری مرد و زندگی دو نسلی (زندگی با والدین) زوجها بیشتر و میزان آشنایی، مدت ازدواج، خوش‌بینی و باورهای مذهبی کمتر باشد، وقوع طلاق در رابطه زناشویی بیشتر خواهد بود. نتایج این پژوهش با مبانی نظریه بحران و نظریه شناختی و پژوهش‌هایی منجمله برسیت و همکاران، ۲۰۰۲؛ سلیگمن و میهالی، ۲۰۰۰؛ سندر و همکاران، ۲۰۰۰؛ پترسون، ۲۰۰۰ و آلیسون، گایچارد و گیلیان^۱، ۲۰۰۰ هماهنگ است. در تبیین مطالب عنوان شده می‌توان گفت که بدبینی موجب سوگیری‌هایی در تفسیر وقایع می‌شوند. این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روانی به صورت سوء تفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف شده، فرض‌های غلط، اهداف و انتظارات غیر واقع‌بینانه در بین زوجها تجلی پیدا می‌کنند و این سوء برداشت‌ها و بدبینی‌ها ارزیابی‌های بعدی (زندگی مشترک) را تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیرا بدبینی‌ها در مسیر زندگی تداوم دارند، به رابطه‌ی فرد با خود و با دیگران (به‌خصوص شریک زندگی) مربوط می‌شوند و بدبینی و باور عقیدتی مذهبی ضعیف موجب نارضایتی زناشویی می‌شوند و زمینه را برای اختلاف و طلاق فراهم می‌کنند. این تبیین با نتایج پژوهش‌های سلیگمن (۱۹۹۲)، یانگ (۲۰۰۷) و مالوفیوا و همکاران (۲۰۰۴) هماهنگ است.

زوج‌های بدبین، تمرکز عمیق و مداوم بر جنبه‌های منفی زندگی (درد، مرگ، دلخوری، جدایی و غیره) همراه با دست کم گرفتن جنبه‌های مثبت و خوش‌بینانه‌ی زندگی یا غفلت از آن‌ها را دارند. این شیوه‌ی تلقی معمولاً شامل انتظارهای افراطی در طیف وسیعی از موقعیت‌های کاری، مالی و بین‌فردی است که منجر به اشتباه‌های شدیدی می‌شود. مشخصه‌ی این افراد، نگرانی مزمن، غر زدن یا بلا تکلیفی در روابط و زندگی می‌باشد، که موجب اختلاف‌های زناشویی و از هم پاشیدگی خانوادگی می‌شود که این با مفاهیم، نظریه‌ها و پژوهش‌های پیشین (دمبر، مارتین، هیومر، هاو و ولتون^۲، ۱۹۸۹؛ اسکین، ۲۰۰۷؛ سلیگمن،

1- Alison, Guichard, & Gilian

2- Dember, Martin, Hummer, Howe, & Melton

(۱۹۹۲) هماهنگ است.

از آنجا که آسیب‌شناسی روانی فرد می‌تواند، بازتاب بدبینی باشد، بنابراین بدبینی که عمدتاً در نتیجه‌ی تجارب ناگوار دوران کودکی می‌باشد، می‌تواند به عنوان هسته‌ی اصلی مشکلات شناختی و بسیاری از اختلال‌هایی در بین زوجها نقش اساسی داشته باشد و این موجب بروز اختلاف زناشویی می‌شود و در صورت عدم مداخله‌ی مشاوره‌ای به موقع موجب طلاق و جدایی می‌شود که پژوهش‌های مختلف (سگال، ۱۹۹۰؛ یانگ، ۱۹۹۰؛ جیل و همکاران، ۲۰۰۸؛ اسکین، ۲۰۰۷؛ بوچارد و همکاران، ۱۹۹۹؛ امان‌الهی، ۱۳۸۴؛ شکرکن و همکاران، ۱۳۸۵؛ بال و سیسرو، ۲۰۰۱) مبین این مطلب هستند. با توجه به اینکه طلاق و اختلاف زوجها با بدبینی و باور مذهبی ضعیف رابطه‌ی منفی و معنادار دارد؛ با توجه به اینکه بدبینی مبانی شناختی منفی منبع تولید آن محسوب می‌شود، بر رضایت زناشویی پیامد منفی دارد و منجر به از هم پاشیدگی خانوادگی و طلاق می‌شود، که وجود بدبینی در زوجها‌ی متقاضی طلاق با پژوهش‌های مختلف (آریتی و بمپوراد^۱، ۱۹۸۰؛ بک و ایمیری^۲، ۱۹۸۵) همخوان است. بدبینی، روابط صمیمانه و عاشقانه‌ی زوجها را مختل می‌کند، زوجها‌یی که دارای بدبینی، بی‌اعتمادی و باور مذهبی ضعیف‌اند احتمال از هم پاشیدگی و طلاق در بین آنها بسیار زیاد است که نتایج پژوهش‌های یانگ و گلوسکی (۱۹۹۷)، کلیفتون^۳ (۱۹۹۵)، استلیز^۴ (۲۰۰۴)، اندوز و حمیدپور (۱۳۸۴) و دی‌آندریا^۵ (۲۰۰۴) مؤید این مطلب است. در تبیین این یافته می‌توان گفت، زوج با بدبینی فکر می‌کند، هر لحظه امکان دارد، شریک زندگی‌اش او را رها کنند و به فرد دیگری علاقمند شوند، فکر می‌کند که همسرش فردی بدرفتار است، او را سرافکنده می‌کند، به او دروغ می‌گوید و فردی دغل‌کار و سودجو است و مشکلات زناشویی آنها ناشی از بی‌مبالاتی و غفلت مفرط همسرش است. این افراد با این نگرش (بدبینی) بیش از حد نسبت به انتقاد، طرد، سرزنش و مقایسه‌های نابجای همسرشان

-
- 1- Arieti, & Bemporad
 - 2- Beck, & Emrey
 - 3- Clifton
 - 4- Stiles
 - 5- D'andrea

حساس هستند. این باورها (بدبینی) زمینه‌ی بروز اختلاف را فراهم می‌نماید و جدایی را به عنوان راه حل مشکلات در نظر می‌گیرد، نتایج پژوهش‌های دی آندریا (۲۰۰۴)، فریمن^۱ (۱۹۹۴) و سیسرو و همکاران (۲۰۰۴) این مطلب را تأیید می‌کنند.

در بین زوج‌هایی که دارای باور مذهبی ضعیف هستند، فاجعه طرد از طرف همسر و خیانت بین زوج‌ها زیاد است و هر لحظه احتمال وقوع جدایی آن‌ها وجود دارد و بر این باورند که فرد نمی‌تواند از تنوع طلبی جلوگیری کند. این افراد نمی‌توانند مسئولیت‌های روزمره را (مثل برآورد نیاز خانوادگی، حل مشکلات روزانه)، در حد قابل قبولی انجام دهند و تعهد خانوادگی و پیامد زیانبار آن برایشان مهم نیست. این حالت اغلب به صورت درماندگی در زوج‌ها ظاهر می‌شود و آن‌ها از قبول مسئولیت زندگی سر باز می‌زنند. بی باوری مذهبی اغلب منجر به نقص‌های جدی در احساس لذت، آرامش، سلامتی، احساس ارزشمندی، پیشرفت یا روابط رضایت‌مندانه زناشویی می‌شود و معمولاً به شکل‌های نقص‌گرایی، غیر قابل انعطاف و ناکارآمدی بروز می‌کند و افراد با بی باوری مذهبی بر این باور هستند که به خاطر اشتباه‌ها در زندگی (ازدواج، بچه‌دار شدن، عدم تربیت مناسب) باید شدیداً خود و طرف مقابل تنبیه شود. معمولاً این گونه افراد، به دلیل ضعف ایمان، نمی‌توانند از اشتباهات خود و همسرش با دید ترحمی مذهبی چشم‌پوشی کنند، این مطلب با پژوهش‌های مختلف (مارگارت و همکاران، ۱۹۹۰؛ یانگاربر-هیکس، ۲۰۰۴؛ کیرک-پاتریک و شاور، ۱۹۹۰) همسو است.

اکثر پژوهش‌هایی که در مورد روابط زناشویی انجام شده، تأیید می‌کنند که عوامل جمعیت شناختی بر سازگاری و رضایت زناشویی اثر دارند. در این مطالعه به ۱۱ متغیر جمعیت شناختی توجه شده که در جدول ۱ به وضوح بین زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در میانگین‌ها تفاوت دیده شد که در تحلیل رگرسیون گام به گام دو متغیر میزان سواد و درآمد بیشتر مؤثرند. این نتایج با پژوهش‌های مختلف (یانگ و لانگ، ۱۹۹۸؛ بهاری و میروسی، ۱۳۷۷؛ کیان‌نیا، ۱۳۷۵؛ گاتمن، ۱۹۹۳؛ آماتو، ۲۰۰۱؛ کوپر، ۲۰۰۱) هماهنگ است. بنابراین، این دیدگاه غالب آماردانان که اعتقاد دارند که متغیرهای جمعیت شناختی در پژوهش‌ها باید

1- Freeman

کنترل شوند، به چالش می‌اندازد. در مورد تبیین نتایج پژوهش در خصوص متغیرهای جمعیت شناختی می‌توان گفت، زوج‌هایی که سواد خوبی ندارند یا تفاوت تحصیلی آنان قابل توجه است، میزان آشنایی آن‌ها از همدیگر کم است، بیکارند یا درآمد خوبی ندارند، و تفاوت سنی بالا دارند، در معرض خطر انحلال رابطه زناشویی و طلاق بیشتری قرار دارند که این نتایج با یافته‌های قبلی (یانگ و لانگ، ۱۹۹۸؛ بهاری و میروسی، ۱۳۷۷؛ گروه بارنا، ۲۰۰۴؛ مارگارت و همکاران، ۱۹۹۰؛ اورتینکال و ونستیوگن، ۲۰۰۶) هماهنگ است.

یکی از محدودیت‌های عمده مطالعه حاضر این بود که نمونه متقاضی طلاق، به علت بحران شدید خانوادگی به طور کامل حاضر به همکاری در تکمیل پرسشنامه‌ها نبودند. به هر صورت، یافته‌های به دست آمده از زنان و مردان متأهل و عادی باید به صورت قابل توجه مورد دقت و مطالعه قرار گیرد تا اینکه این نتایج را بتوان در پژوهش‌های دیگر با زوج‌ها در سنین مختلف و خانواده‌های مشکل‌دار بدون مراجعه به دادگاه در ایران جایگزین و مورد آزمون قرار داد. همچنین محدودیت اساسی دیگر در کاربرد پرسشنامه‌ی خود-گزارش دهی برای سنجش نگرش مذهبی است، زیرا بعضی مراجعان متقاضی طلاق جهت خوب جلوه دادن خود، نوع اغراق‌گویی در پاسخ‌هایشان دیده می‌شد. محققان پیشنهاد می‌کنند که در پژوهش‌های بعدی به کنترل متغیرهای شناختی و جمعیت‌شناسی به ویژه تفاوت سنی و طول مدت ازدواج در دو گروه متقاضی طلاق و عادی پرداخته شود تا نقش این متغیرها را بررسی نمایند.

نتیجه‌گیری

مدل پژوهش حاضر مورد تأیید قرار گرفت. به عبارت دیگر، از روی بدبینی و باور مذهبی و ویژگی‌های جمعیت شناختی به ویژه درآمد و سواد می‌توان طلاق را در رابطه‌ی زناشویی پیش‌بینی نمود و بر اساس این مدل می‌توان یک روی آورد پیشگیری از طلاق و درمان زناشویی را بر اساس بدبینی و باور مذهبی برای مشاوران و روان‌شناسان، خانواده‌های نابسامان و عادی در سطح کشور تدارک دید. توصیه می‌شود، اثربخشی درمان و مداخله با

رویکرد مذهبی و کاهش بدبینی را در اختلاف‌های زناشویی افزایش داد و خطر وقوع طلاق که متأسفانه امروز رو به افزایش است، کاهش داد، زیرا وقتی که زوجها از بدبینی و باور مذهبی اطلاع یابند، هم بینش آن‌ها بالا می‌رود و هم، برای همدیگر قابل پیش‌بینی تر می‌شوند. همچنین ممکن است برداشت متفاوت، تعارض و در نهایت اختلاف زناشویی را به حداقل برساند.

منابع

- آقایی، اصغر؛ رئیسی دهکردی، راضیه؛ آتش‌پور، سید حمید. (۱۳۸۶). رابطه خوش بینی- بدبینی با سلامت روان در افراد بزرگسال شهر اصفهان. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی دانشگاه آزاد خوراسگان*، شماره ۳۳، صص. ۱۱۷-۱۳۰.
- امان‌الهی فرد، عباس. (۱۳۸۴). *بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و عوامل فردی- خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان اداره‌های دولتی شهر اهواز*. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- اندوز، زهرا؛ حمیدپور، حسن. (۱۳۸۴). بررسی رابطه‌ی طرح واره‌ی ناسازگار با سبک دلبستگی و رضایت از زندگی زناشویی. *دومین کنگره آسیب شناسی خانواده در ایران*، دانشگاه شهید بهشتی، ۲۵ تا ۲۸ اردیبهشت، صص. ۱۶۵.
- بهارى، فرشاد؛ میروسی، لیلی. (۱۳۷۷). گونه‌شناسی طلاق و سیر آن. *مجله پیام مشاوره*، شماره ۴، صص. ۴۳-۵۱.
- حیدری، مجتبی. (۱۳۸۲). *بررسی رابطه‌ی جهت‌گیری مذهبی و رضایتمندی زناشویی در خانواده‌های معلم شهرستان قم*. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، موسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم.

خدایاری‌فرد، محمد؛ شهابی، روح‌الله؛ اکبری، سعید. (۱۳۸۶). رابطه نگرش مذهبی با رضایتمندی دانشجویان متأهل. *مجله خانواده پژوهی*، شماره ۱۰، صص. ۶۱۱-۶۲۰.

خدایاری‌فرد، محمد و غباری‌بناب، باقر. (۱۳۷۳). تهیه مقیاس اندازه‌گیری اعتقادات و نگرش مذهبی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تهران.

رجوعی، مریم. (۱۳۷۲). گزارش‌های کوتاه از پژوهش‌های بالینی. *مجله پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۲ (۱ و ۲)، صص. ۴۵-۵۹.

سالاری‌فر، محمدرضا. (۱۳۷۹). مقایسه نظریه خانواده درمانی مینوچین با دیدگاه اسلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، پژوهشکده قم.

سراج‌زاده، سیدحسین. (۱۳۷۷). نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای سکولار شدن. *فصلنامه اطلاع‌رسانی پژوهشی*، شماره ۹، صص. ۳۱-۴۵.

شریفی، طیبه؛ مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز؛ شکرکن، حسین. (۱۳۸۵). رابطه نگرش دینی با افسردگی و اضطراب و پرخاشگری در دانشجویان دانشگاه آزاد اهواز. *پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی اصفهان*، شماره ۲، صص. ۱-۴۴.

شکرکن، حسین؛ خجسته‌مهر، رضا، عطاری، یوسفعلی، حقیقی جمال، و شهنی‌بیلاق، منیجه. (۱۳۸۵). ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و متغیرهای جمعیت شناختی را به عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در اهواز. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، شماره ۳ (۱)، صص. ۱-۳۰.

شهنی‌بیلاق، منیجه؛ موحدی، احمد؛ شکرکن، حسین. (۱۳۸۳). رابطه علی بین نگرش‌های مذهبی، خوشبینی، سلامت روانی و سلامت جسمانی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز*، شماره‌های ۱ و ۲، صص. ۱۹-۳۴.

غباری‌بناب، باقر. (۱۳۷۴). باورهای مذهبی و اثر آن بر بهداشت روانی. *مجله اندیشه و رفتار*، شماره ۱ (۱)، صص. ۳۵-۵۵.

فرانکل، ویکتور (۱۹۶۷). *انسان در جستجوی معنی*. ترجمه‌ی اکبر (۱۳۸۶). معارفی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کیان‌نیا، محمدعلی. (۱۳۷۵). *زن امروز، مرد دیروز، تحلیلی بر اختلافات زناشویی*. تهران: انتشارات روشنفکران و مطالعات زنان.

Alison, P. J., Guichard, C., & Gilian, L. (2000). A prospective investigation of dispositional optimism as predictor of health related quality of life in head and neck cancer patients. *Quality of life Research*, 9, 951-960.

Amato, P. R. (2001). Children of Divorce in the 1990s. *Journal of Family Psychology*, 15, 3-21.

Amato, P. R., & Rogers, S. J. (1997). A longitudinal study of marital problems and subsequent divorce. *Journal of Marriage and the Family*, 59, 612-624.

Arieti, S., & Bemporad, J. (1980). The psychological organization of depression. *Journal of American of Psychiatry*, 137, 1360-1365.

Ball, S., & Cecero, J. (2001). Addicted patients with personality disorders: Traits, schemas, and presenting problems. *Journal of Personality Disorders*, 15, 72-83.

Barna Group. (2004). *Born again Christians just as likely to divorce as non-Christians* The Barna Update. From <http://www.barna.org/FlexPage.aspx>. Retrieved April 13, 2012.

Beck, A. T., & Emrey, G. (1985). *Anxiety disorders and phobias: A cognitive perspective*. New York: basic Books.

Beck, A., & Rush, A. (1979). *Cognitive Therapy of Depression*. New York: Guilford press.

Bouchard, G., Sabourin, S., Lussier, Y., Wright, J., & Richer, B. (1999). *Predict of divorce*, New York: Basic Books.

Bradbury, T., Fincham F., & Beach, S. (2008) Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. *Journal of Marriage and Family*, 62, 964-980.

Brissette, I, Scheier, F., & Carver, S (2002) .The role of optimism in social network development, coping, and psychological

- adjustment during a life transition. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82, 102-111.
- Call, V. R. A., & Heaton, T. B. (1997). Religious influence on marital stability. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 36, 382-392.
- Call, V. R., & Heaton, T. B. (1997). Religious influence on marital stability. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 36 (3), 382-392.
- Cecero, J., Nelson, J., & Gillie, J. (2004). Tools and tenets of schema therapy: toward the construct validity of early maladaptive schema questionnaire- research version (EMSQ-RV). *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 11, 344-357.
- Clifton, J. A. (1995). *The effects of parenting style, attachment, and early maladaptive schema on adult romantic relationships*, Unpublished Doctoral Dissertation, Georgia University.
- Cooper, C. (2001). Men and divorce. In G. R. Books., & G. E. Good (Eds.). *The new handbook of psychotherapy and counseling with comprehensive guide to setting, problems, and treatment approaches* (pp.335-352). Jossey-Francisco, California.
- D'andrea, J. T. (2004). *An investigation of the relationship between early maladaptive schemas and psychological adjustment: The moderating effects of spiritual coping styles*. Unpublished Doctoral Dissertation, New York University.
- Dember, W. N., Martin, S., Hummer, M. K., Howe, S., & Melton, R. (1989). The measurement of optimism and pessimism. *Personality and Individual Differences*, 25, 2, 233-240.
- Freeman, N. (1994). *Constructive thinking and early maladaptive Schemas as predictors of interpersonal adjustment and marital satisfaction*. Unpublished Doctoral dissertation, New York University.
- Glock, C. Y., & Stark, R., (1965). *Religion and Society in Tension*, Chicago, Rand McNally.
- Guttman, J. (1993). *Divorce in Psychosocial Perspective; Theory and Research*. Hillsdale, New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates, Inc., Publishers.

- Hunler, O. S., & Genc, O. Z. T. I. (2005). The effect of religiousness on marital satisfaction: Testing the mediator role of marital problem solving between religiousness and marital satisfaction. *Contemporary Family Therapy*, 27 (1), 123-136.
- Jill, L., Michiel, F., & Vreeswijk, A. (2008). *An empirical test of schema mode conceptualizations in personality disorders. Behavior Research and Therapy*, 46, 854-863.
- Kahle, P. A., & Robbins, J. M. (2004). *The power of spirituality in therapy: Integrating spiritual and religious beliefs in mental health practice*, Binghamton, NY: Haworth Pastoral Press.
- Kirkpatrick, L. A., & Shaver, P. R. (1990). Attachment theory and religion: Childhood attachments, religious beliefs, and conversion. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 29 (3), 315-334.
- Mahoney, A. (2005). Religion and conflict in marital and parent child relationship. *Journal of Social Issues*, 61 (4), 689-706.
- Malofeeva, E., Day, J., Saco, X., Young, L., & Ciancio, D. (2004). Construction and evaluation of a number sense test with Head Start children. *Journal of Educational Psychology*, 96 (4), 648-659.
- Margaret, G. Dudley., Frederic, A., & Konsinski, J. (1990). Religiosity and marital satisfaction: A research note. *Review of Religiosity Research*, 32 (1), 78-86.
- Mary, K., & William, N. D. (1992). On the partial independence of optimism and pessimism. *Journal of Current Psychology*, 11, 37-50.
- McMinn, M. R. (2003). *Cognitive-relational therapy with adults. Helping people live the life. Forest, VA: American Association of Christian Counselors.*
- Moberg, D. O. (2005). Research in spirituality, religion, and aging. *Journal of Erotological Social Work*, 15 (1, 2), 11-40.
- Orathinkal, J., & Vansteewegen, A. (2006). Religiosity and marital satisfaction. *Contemporary Family Therapy*, 28, 497-504.
- Pargament, K. I. (1997). *The psychology of religion and coping*. New York: Guilford.
- Park, L. C, Moore J. P, Turner A. R., & Adler E. N. (1997). The Role of constructive thinking and optimism in psychological and

- behavioral adjustment during pregnancy. *Journal of Personality and Social Psychology*, 73, 584-592.
- Peterson, C. (2000). The future of optimism. *Journal of American Psychologist*, 55, 44-55.
- Scheier, F., Michael, & Carver, S. C. (1992). Effects of optimism on psychological and physical well-being. *Journal of Cognitive Therapy and Research*, 16, 201-228.
- Segal, Z. V. (1990). Appraisal of the self-schema. *Psychological Bulletin*, 103, 147-162.
- Seligman. (1992). *Optimism and Health Benefits*. From the World Wide Web: file://A:/seligmanhb 57. http://: Retrieved April 13, 2012.
- Seligman, M. E. P., & Peterson, C. (1984). "Attributional styles and the generality of learned helplessness". *Journal of personality and social psychology*, 46, 681-684.
- Seligman. E. P. M., & Mihaly. C. (2000). Positive Psychology. *Journal of American Psychologist*, 55, 5-14.
- Sesen, N., & Seda, S. (2011). Compassion fatigue in marriage and family therapy; implications for therapists and clients, *Journal of Marital and Family Therapy*. 37, 1, 1-13.
- Skeen, M. (2007). *A schema-focused analysis of Philip Carey in W. Somerset Maugham's "Of Human Bondage"*. Doctoral Dissertation. The Wright Institute.
- Snyder, C. R., Stephen, I., Jen, C., Scott, T., Michael, L. Y., & Susie, S. (2000). The Role of hope in cognitive – behavior therapies. *Journal of Cognitive Therapy and Research*, 24, 747-762.
- Stiles, O. E. (2004). *Early maladaptive schemas and intimacy in young adult's romantic relationships*. Unpublished doctoral Dissertation, Alliant International University.
- Sullivan, T. (2001). Understanding the relationship between religiosity and marriage: An investigation of the immediate and longitudinal effects of religiosity on newlywed couples. *Journal of Family Psychology*, 15, 610-628.
- Young, J. E. (199۰) *Cognitive Therapy for personality disorders: A schema-focused approach*. Professional Resource Exchange, Inc.

- Young, T. (2007). *The relationship between appearance schemas, self-esteem, and indirect aggression among college women*. Doctoral Thesis. Oklahoma state University.
- Young, J. E., & Gluhoski, V. (1997). *A schema-focused perspective on satisfaction in close relationships*. In R. J. Sternberg & M. Hojat (Eds.), *Satisfaction in close relationships* (356-381). New York: The Guilford Press.
- Yangarber-Hicks, J. (2004). Religious coping styles and recovery from serious mental illnesses. *Journal of Psychology and Theology*, 32 (4), 305–317.
- Young, J., & Long, L. (1998). *Counseling and Therapy for Couples*. New York: Guilford Press.